

## آموزش فا در کانادا، ۲۰۰۶

(لی هنگجی، ۲۸ می، ۲۰۰۶ در شهر تورنتو)

شما همگی سخت کار کرده‌اید. (میریدان مشتاقانه دست می‌زند و یکصدا پاسخ می‌دهند: "درود استاد! استاد سخت کار کرده است!")

این کنفرانس‌های گسترده‌ی فا، رویدادهای باشکوهی برای میریدان دافای خارج از چین هستند. تعداد زیادی از شاگردان جدید و شاگردانی از مسافت‌های دور، در هر کنفرانس گسترده‌ی فا شرکت می‌کنند، بنابراین جدای از برگزاری فعالیت‌های دیگر در هر کنفرانس فا، کنفرانس می‌بایستی حقیقتاً اثری واقعی بر تزکیه‌ی شما داشته باشد و به ارتقاء آن کمک کند. در آن صورت، سفر برای افرادی از شما که شاگردان جدید هستید و کسانی که از مسافتی بسیار دور سفر می‌کنید ارزشمند خواهد بود. بنابراین کنفرانس‌های فای میریدان دافا صرفاً تشریفاتی که در هر سال می‌بایستی به‌انجام برسند نیستند، بلکه واقعاً به‌خاطر تزکیه‌ی پویای حقیقی برگزار می‌شوند. آن‌ها همچنین فضایی هستند که به شما داده‌ام، تنها محیطی که میریدان دافا می‌توانند دور هم جمع شوند و از طریق تبادل نظر در یک گستره‌ی وسیع از یکدیگر یاد بگیرند. بنابراین باید مطمئن باشید که این هدف حقیقتاً برآورده شود و آن‌ها را به‌طور حقیقی موجب رشدتان در تزکیه سازید. فقط در آن هنگام یک کنفرانس معنی‌دار است.

شما می‌دانید، اکنون میریدان دافا درباره‌ی این شیوه‌ی تزکیه‌ای که امروز [داریم] بسیار روشن هستند. فکر می‌کنم کسانی که این‌جا در جمع شنوندگان هستند، اکثراً قادر به برآورده‌کردن شرایط در ارتباط با این‌که چگونه میریدان دافا تزکیه می‌کنند هستند. شکل تزکیه در دافا شکلی است که در بین مردم معمولی انجام می‌شود و آن برای اولین بار تا این زمان، شکلی را پایه‌گذاری کرد که در آن، افراد در اجتماع بشری تزکیه می‌کنند. این شیوه از روز نخستی که انتقال فا را آغاز نمودم پایه‌گذاری شد. هرگز [چیزی شبیه] این قبلاً، از دوران کهن تا این زمان رخ نداده بود.

زمانی که فا را آموزش می‌دهم، مجبورم از چیزهایی در سطح پایین‌تر شروع کنم و به سمت بالا پیش‌برم. از [چیزهای] ابتدایی شروع می‌کنم، که آن‌را برای تعداد زیادی از مردم قابل فهم می‌کنند. این دلیل آن است که چرا در آغاز، چیزهایی را در سطح بالا آموزش ندادم. در حقیقت، آفرینش تمامی سه قلمرو به منظور اشاعه‌ی امروز دافا بود. در کیهان گذشته هیچ سه قلمرویی وجود نداشت و نوع بشر هستی نداشت. نوع بشر توسط خدایان خلق شد. این حقیقتی مسلم است. چرا موجودات فرا زمینی این‌قدر به‌طور پی در پی به زمین آمده‌اند؟ آن‌ها دلایل بسیاری داشته‌اند. و به غیر از آن، آن‌ها نسبت به بدن انسانی احساسی از بیم و احترام دارند، که در آن چیزهای بسیار زیادی را دیده‌اند که قبلاً هرگز ندیده بودند. دلیل آن این است که در کیهان گذشته، در این محیط - یعنی، این بُعدها، مکانی که سه قلمرو اکنون وجود دارد - انواع متنوعی از مخلوقات سطح پایین، شامل آن‌چه که ما امروز به عنوان موجودات فضایی به آن‌ها اشاره می‌کنیم، می‌زیستند. در حقیقت آن‌ها مخلوقات سطح پایینی هستند که به مهارت‌های تکنولوژیکی خاصی دست یافته‌اند. [اما سپس] ناگهان این بدن کیهانی دست‌خوش تغییرات عظیمی شد، و موجودات انسانی همچنان که کره‌ی زمین خلق شد موجودیت یافتند؛ موجودی مثل انسان پا به عرصه‌ی وجود گذاشت. آن

موجودات [فضایی] فکر می‌کنند که، از دیدگاه تکنولوژیکی آن‌ها، ترکیب بدن انسانی، تمامی طراحی و عملکرد بدن انسانی، بسیار کامل است. البته چرا این طور است؟ زیرا آن توسط خدایان خلق شد. در مقایسه با آن مخلوقات ساده، آن موجودات سطح پایینی که در یک زمانی در این بُعد می‌زیستند، بدن انسانی چیزی کاملاً متفاوت است.

انسان توسط خدایان خلق شد، بنابراین ظاهر يك خدا و حتی ساختار درونی همانند خدایان را دارا می‌باشد؛ فقط این طور است که فاقد قابلیت انجام کارها بسان خدایان است. همچنین، این بُعد باعث می‌شود که موجودات قادر به مشاهده‌ی تصویر حقیقی چیزها نباشند و مخلوقاتی را در این بُعد در محیطی که به‌طور مشخصی مقرر و به‌طور ویژه‌ای ساخته شد دارد؛ این مکانی است ترکیب شده از خدایان بی‌شماری که هستی موجودات انسانی را تضمین می‌کنند. این محیط سبب می‌شود که موجودات انسانی در این بُعد فقط قادر به دیدن اشیاء در این بُعد باشند و نه اشیاء ورای این بُعد یا حتی اشیایی که در این بُعد به شیوه‌ی خاصی هستی دارند- هر چند تعداد کمی از مردم با بنیان زیربنایی خوبی وجود دارند که می‌توانند چنین چیزهایی را ببینند یا با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. این مسئله این باور اکثریت مردم را تقویت کرده است که انسان، یگانه شکل حیات در کیهان است، و آن‌ها حتی فکر می‌کنند که شرایط برای وجود حیات در این جا، یگانه شرایط لازمه برای وجود حیات برای هر چیز زنده در تمامی کیهان است. در نتیجه، نوع بشر خودش را حتی بیشتر مهر و موم کرده است. بنابراین مهم نیست که نوع بشر چگونه به تحقیق چیزها می‌پردازد یا برای درک آن‌ها تلاش می‌کند، نمی‌تواند تصویر حقیقی کیهان را ببیند. این حالت از هستی در واقع طبیعی است، زیرا آن محدودیتی ایجاد شده توسط خدایان است. انسان در نظر گرفته شد که در این سطح و در قلمرویی شبیه این زندگی کند. به عبارت دیگر مردم اگر فقط ابزارهای بشری را برای کشف کیهان به کار ببرند، هرگز به تصویر حقیقی آن دست نخواهند یافت، هر قدر هم که تلاش کنند. آن نیز چیزی عرضه شده توسط خدایان است.

بنابراین هدف از همه‌ی این‌ها چه بود؟ برای این بود که قبل از این که دافا انتقال یابد، موجودات انسانی را در این حالت- یک حالت پایدار- نگه دارد و آن را در تمام مسیر تا روزی که دافا قرار بود آموزش داده شود حفظ کند. این دلیل آن است که چرا تمامی وقایعی که در تاریخ جهان در طی روند دوره‌های تاریخی مختلف اتفاق افتاده است، و به عقب برویم تا زمان خلق سه قلمرو و نوع بشر - شامل وضعیت آغازین امور پس از این که انسان نخستین بار پیدایش یافت و در امتداد تمام مسیر آن‌چه در طی چند هزار سال گذشته پس از ظاهر شدن فرهنگ متعارف بشر روی داد، به عنوان مثال، تمامی افراد مشهور و وقایع مهم در تاریخ - آن‌ها در حقیقت به‌منظور پایه‌گذاری يك فرهنگ، شیوه‌های تفکر و مفاهیم و ارزش‌های انسانی بودند به طوری که زمانی که دافا آموزش داده شود مردم قادر باشند فا و فرهنگ حقیقی تزکیه را تشخیص دهند. اگر همه‌ی این‌ها در تاریخ بنیان نهاده نشده بود، مریدان دافایی که امروز این جا نشسته‌اند در حالتی بدوی می‌بودند، حالتی شبیه همان که موجودات انسانی پس از این که خدایان آن‌ها را خلق کردند آن گونه بودند، و آن‌ها قادر به درک هیچ چیزی نمی‌بودند. اگر وضعیت این گونه می‌بود، آموزش فا غیرممکن می‌بود، و برای مردم امکان‌پذیر نمی‌بود که فا را درک کنند. ”تزکیه چیست؟“ - آن‌ها هیچ دیدگاهی نمی‌داشتند. با ساده‌ترین اصطلاح بیان کنیم، برای مردم امروز مثل این می‌بود که دارای هیچ فرهنگی نیستند. پس، چگونه این فا امروز آموزش داده می‌شد؟ هیچ راهی نمی‌بود. بنابراین تمامی این

چیزها، از زمان‌های کهن تا امروز؛ به‌عنوان یگانه هدف پایه‌گذاری فرهنگ مورد لزوم برای اشاعه‌ی دافا اتفاق افتادند.

من در حال انجام آن در دو مرحله بوده‌ام. اولین مرحله شامل اصلاح- فا می‌شود و مریدان دافایی که از طریق تزکیه‌ی اصلاح- فا آن‌را با موفقیت طی می‌کنند مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا هستند. در آینده تعداد بیشتری خواهد بود، یعنی تزکیه‌کنندگان دوره‌ای که فا، جهان بشری را اصلاح می‌کند، مرحله‌ی بعدی. در آن مرحله تمامی کیهان، به استثناء نوع بشر، از میان اصلاح- فا گذر کرده‌اند. اغلب درباره‌ی تداخل با اصلاح- فا از جانب عناصر کیهان کهن، نیروهای کهن، و تعداد متنوعی از موجودات بد سطوح بالا صحبت کرده‌ام. در آن زمان هیچ‌کدام از آن چیزها هستی نخواهند داشت، به‌جز آن‌هایی که در یک سطح پایین هستند و به‌منظور کمک به رشد تزکیه‌کنندگان آینده به‌جای خواهند ماند. زمانی که هیچ مداخله‌ای از طرف عوامل کهن سطح بالا وجود ندارد اصلاح دنیای بشری توسط فا شبیه چه خواهد بود؟ درباره‌اش بیندیشید، با نبود هیچ مقاومتی از طرف آن عناصر نیروی کهن سطوح بالای دارای قدرت، و با در نظر گرفتن این‌که موجودات بشری ذاتاً ضعیف هستند، و این‌که موجودات در بُعدهای پایین‌تر عالم و موجودات در بُعدهای سه قلمرو هیچ توانایی مهمی ندارند، در آن برهه از اصلاح دنیای بشری توسط فا، وضعیت مطمئناً متفاوت خواهد بود. در حال حاضر مردم می‌پرسند: وقتی حزب فرومایه از بین برود چه اتفاقی خواهد افتاد؟ پس از آن، امور چگونه خواهد بود؟ حکومت آینده‌ی چین شبیه چه خواهد بود؟ هیچ نیازی به فکر کردن یا انجام کاری در این رابطه نیست. البته، همان‌طور که به فا اعتبار می‌بخشید و حقیقت را آشکار می‌کنید می‌توانید با درک فعلی‌تان به‌طور غیرمستقیم به چیزها اشاره کنید. انجام آن اشکالی ندارد، زیرا این اشکال ندارد که بر اساس منطق و درک طبیعی‌ای که فرد دارد به‌طور غیرمستقیم به چیزها اشاره کرد. اما در خصوص آن‌چه که واقعاً اتفاق خواهد افتاد، آن به موجودات انسانی بستگی ندارد، و شبیه آن‌گونه که مردم هم‌اکنون آن‌را تصور می‌کنند نخواهد بود. در آن زمان اجتماع بشری کاملاً دگرگون خواهد شد، وضعیت امور تماماً تغییر خواهد کرد و ساختار اجتماع در مجموع تغییر خواهد کرد.

بنابراین در طی این دوره، مخصوصاً از آن‌جا که این دوره‌ای است که مریدان دافا درحالی‌که اصلاح- فا در حال روی دادن است به فا اعتبار می‌بخشند، الزامات برای این گروه تزکیه‌کننده به‌طور خاصی بالا می‌باشد. از آن‌جا که این تزکیه‌کنندگان درحالی‌که اصلاح- فا در حال روی دادن است این‌جا هستند، مقدار زیادی به دوش می‌کشند و مسئولیت‌هایشان عظیم است. بدون توجه به این‌که استاد چه تعداد زیادی بدن قانون دارد یا قدرتش در کیهان چقدر عظیم است، [با وجود این] بدن اصلی او در میان لایه‌های جداسازی‌های کیهان قدیم است و هر چیزی در اصلاح- فا را، از این دنیا هدایت می‌کند. نوع بشر و سه قلمرو در درجه‌ی اول به خاطر نیازهای اصلاح- فا خلق شدند و بدن اصلی استاد این‌جا است، بنابراین نقطه‌ی کانونی مداخله‌ی شیطان نسبت به اصلاح فا نیز این‌جا است. مریدان دافا، این‌جا در حال اعتبار بخشی به فا، حفاظت از فا و در عین حال تزکیه‌ی خودشان هستند، بنابراین مسئولیت‌هایشان بدون شک عظیم است؛ و همچنین لازم است این‌جا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند و این مسئولیت نیز برای مریدان دافا حیاتی است. این مسئله، مریدان دافای دوره‌ی اصلاح- فا را تماماً خارق‌العاده‌تر می‌کند.

همان‌طور که گفته‌ام، اگرچه در تاریخ شکل‌هایی از انواع مختلف تزکیه وجود داشتند، اما آن‌ها فقط فرهنگی را بنا نهادند. تزکیه چیست؟ فقط آن‌چه امروز [شما این‌جا دارید] تزکیه‌ی حقیقی موجودات

انسانی است. (تشویق) فقط این قالب امروز توسط خدایان کیهان به عنوان تزکیه‌ی حقیقی تشخیص داده می‌شود. (تشویق) تمام آن چیزها در گذشته برای پایه‌گذاری یک فرهنگ بود. هیچ موجود بشری که وارد سه قلمرو شده است تاکنون در خارج شدن از آن موفق نبوده است. هیچ موجودی که از دنیای پهناورتری به این جهان بشری آمد از عهده‌ی آن برنیامده است تا به آسمان‌ها برگردد- این هرگز اتفاق نیفتاده است. علی‌رغم تمامی حرف‌هایی که درباره‌ی تزکیه زده شده است. هیچ‌کسی هرگز در آن موفق نشده است. و هرچند آن‌ها درباره‌ی صعود به آسمان‌ها زیاد صحبت کردند، هیچ‌کسی هرگز در صعود به آن‌جا موفق نشده است. شما درباره‌ی روح کمکی می‌دانید. این روح‌های کمکی بوده‌اند که پس از به‌کاربردن بدن انسانی به عنوان مرکب برای تزکیه، به آسمان‌ها صعود می‌کردند. پس از به‌کارگیری بدن انسانی به عنوان یک مرکب، روح کمکی تصویر یک انسان را به خود می‌گرفت و این دلیل آن است که چرا برخی از افراد مشاهده کرده‌اند که این یا آن شخص از طریق روش تزکیه‌ای مربوط به گذشته به آسمان‌ها عروج می‌کند. آن‌ها ممکن است بگویند که عروج یک فرد را پس از مرگش به آسمان‌ها دیدند، اما کسی که به آسمان‌ها صعود کرد نه روح اصلی فرد بود و نه حقیقتاً آن فرد. بنابراین هیچ‌یک از موجوداتی که به سه قلمرو آمده‌اند هرگز در برگشتن موفق نشده‌اند. آن‌هایی که موفق شدند همگی روح‌های کمکی بودند و آن‌چه بر سر بدن اصلی می‌آمد هرگز چیزی نبود که روح کمکی آن‌را مهم در نظر بگیرد. موجودات انسانی هرگز توسط هیچ‌یک از خدایان، مهم در نظر گرفته نشده‌اند.

قبلاً گفته‌ام که خدایان نیز، در دوره‌های زمانی مختلف خلق و برقرار شدند. خدایانی که قادر به نزدیک شدن به این مکان بودند درباره‌ی تصویر حقیقی کیهان و حتی تاریخ سه قلمرو و دلایل هستی آن روشن نبودند. و به‌ویژه آن خدایانی که قادر به تأثیرگذاری بر موجودات بشری هستند از سطح پایینی می‌باشند، و درباره‌ی این چیزها روشن نبودند. آن‌ها حتی نمی‌دانستند که چرا موجودات بشری وجود داشتند و این دلیل آن است که چرا موجودات بشری برای آنان اصلاً اهمیتی نداشتند. در گذشته وقتی در حال آموزش دافا بودم، تعداد زیادی از خدایان گفتند، ”حتی زمانی که موجودات بشری به این حد منحط شده‌اند در حال آموزش هستی و حتی در حال آموزش چنین فای عظیمی به آن‌ها هستی.“ چگونه آن‌ها می‌توانستند از اهمیت حقیقی هستی بشر آگاه باشند؟ البته آن‌ها اکنون این را درک کرده و همگی می‌دانند. همان‌طور که اصلاح- فا مرحله به مرحله پیشرفت می‌کند و حقیقت به‌طور بی‌وقفه‌ای ظاهر می‌شود، برخی از خدایانی که نقشی منفی ایفا کردند به درک اشتباهات‌شان رسیده و به‌تدریج حقیقت را دیده‌اند و در نتیجه روشن شده‌اند. اما بنیادی‌ترین موضوع، که این واقعیت است که نیروهای کهن در سطحی بنیادین تماماً بایستی انکار شوند، چیزی است که آن‌ها هنوز نمی‌توانند نهایتاً و به‌طور کامل بپذیرند. آن‌ها هنوز نمی‌توانند این حقیقت را ببینند. هنگامی که چیزها وارد مرحله‌ی پایانی شود و آن‌ها حقیقت را ببینند، خیلی دیر خواهد بود، و برای آن‌ها فاجعه به‌بار خواهد آورد.

از آن‌جا که این در دو مرحله انجام می‌شود، هرچند اجتماع بشری با وجود مشاهده‌ی آزار و شکنجه‌ی مریدان دافا کاملاً بی‌تفاوت است، و شیوه‌های امور که در اجتماع بشری هستند حکایت از این می‌کند که هیچ تأثیر مهمی بر اجتماع بشری وجود ندارد - هرچه باشد، تمامی مشاغل به‌طور دقیق و منظم در حال اجرا هستند، و این ماشین اجتماع بشری هنوز مثل سابق عمل می‌کند و به‌طور عادی در حال کار کردن است- به خاطر این است که امور مربوط به موجودات بشری تا زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح

کند قرار نیست انجام شود. در حال حاضر اصولاً هیچ کاری در ارتباط با موجودات بشری انجام نداده‌ام، و همان‌طور که مردم دنیا را نجات می‌دهید در حال انجام هیچ کاری به‌جز بیدار کردن و ترغیب وجدان‌ها و خوبی مادرزادی مردم نیستید. اهریمن، در حالی که مریدان دافا را آزار و شکنجه می‌کند، برای این که راهی برای موجه جلوه دادن خودش در آزار و شکنجه‌ی مریدان دافا داشته باشد، خواسته است که تمام مردم دنیا با مریدان دافا و دافا مخالفت کنند و هیچ موقعیت محکمی برای مریدان دافا در جهان بجا نگذارد. بنابراین در اجتماع انسانی انبوهی از دروغ‌ها را پرورانده و از تمامی ابزارهای تبلیغاتی چین استفاده کرده است تا بلوا ایجاد کند، تلاشی بیهوده می‌کند تا تمام مردم دنیا دروغ‌هایش را باور کرده و در آزار و شکنجه‌ی مریدان دافا شرکت کنند. به همین دلیل، بسیاری از موجودات ذی‌شعوری که حقیقت را نمی‌دانستند، تعداد زیادی از مردم دنیا، مسموم شدند. بنابراین آنچه این بیان می‌کند [این است که]، هدف از آشکارسازی حقیقت مریدان دافا در طی این دوره، نجات مردم و زدودن مسمومیت مردم توسط عوامل کهن و ارواح شیطانی حزب فرومایه می‌باشد. علت این است که، در طی اصلاح-فا نیروهای کهن از بین می‌روند، حزب فرومایه و روح شیطانی نیز به‌طور حتم دور ریخته خواهند شد و تمامی آن‌هایی که در آن‌چه آن‌ها انجام می‌دهند دستی دارند دور ریخته خواهند شد. این قانونی تعیین شده در طول اصلاح-فا است، و می‌بایستی بدین طریق انجام شود. اگر ما نرویم و فردی مثل آن را نجات ندهیم، او همراه با شیطان توسط تاریخ دور ریخته خواهد شد.

هنگامی که يك حیات حقیقتاً از بین می‌رود بسیار هولناک است. نوع مرگی که برای مردم قابل رؤیت است هولناک نیست، زیرا آن، مرگ وجود حقیقی فرد نیست. وقتی يك انسان می‌میرد، او فقط پوسته‌ای را که [از چیزهایی در] سطحی‌ترین بُعد مادی ساخته می‌شود درمی‌آورد، دقیقاً همانند درآوردن يك تکه لباس؛ در صورتی که حیات واقعی مجدداً وارد چرخه‌ی بازپیدایی شده است. البته برخی از تزکیه‌کنندگان پیشین که به‌خوبی تزکیه کردند در پایان زندگی‌شان یک روح کمکی از آن‌ها بلند شد و ترک کرد، اما آن خود فرد نبود. این چیزی است که پس از این که فرد می‌میرد اتفاق می‌افتد. فقط تزکیه‌ی بنیان نهاده شده توسط دافا می‌تواند حقیقتاً برای فرد موفقیت را به ارمغان آورد. در تمامی تاریخ هیچ‌کسی از این که چرا انسان به این‌جا آمد و از جایگاه انسان در جهان آگاهی نداشته است. و دقیقاً به‌خاطر این که این‌ها رموز و اسرار هستند، هیچ‌خدایی از پاسخ آن آگاهی نداشته است- موقعیتی که به‌طور مؤثری ثبات نوع بشر، ثبات سه قلمرو، و ایمنی موجودات بشری را تضمین کرده است.

این رموز و اسرار اکنون به‌تدریج آشکار می‌شوند، و خدایان و موجودات در آسمان‌ها نیز به‌تدریج در حال پی بردن به حقیقت و آگاه شدن از آن هستند. پاسخ‌ها به سؤالاتی از قبیل ”چرا دافا آموزش داده شده است؟ چرا چنین فای عظیمی به نوع بشر آموزش داده شده است؟ چرا موجودات انسانی این‌قدر خوش‌بخت هستند؟“ [برای آن‌ها در حال واضح شدن است]. آن خدایان اغلب به من می‌گفتند، ”فقط موجودات انسانی برای تو مهم هستند.“ آن‌ها تلویحاً در حال گفتن این بودند که ”ما برای تو مهم نیستیم. در اصلاح-فا با ما بسیار سخت‌گیر هستی و با این وجود با موجودات انسانی بسیار ملایم هستی.“ اکنون آن‌ها دیگر این را نمی‌گویند. هیچ‌کسی آن‌را دیگر نمی‌گوید. به عبارت دیگر، سه قلمرو، جهان بشری، و نوع بشر- کل این چیزها تمامی کیهان را تحت تأثیر قرار می‌دهند، و با نجات موجودات بی‌شمار بی‌کران در تمامی کیهان ارتباط دارند. در میان آن‌ها، موجودات سطح بالای بی‌شمار بی‌کران و موجودات بی‌نهایت

سطح بالا وجود دارند. آیا این چیزی حیاتی نیست؟ اما یک موجود انسانی که در زمانی طولانی در حالی از توهم بوده است نمی‌تواند از داخل سه قلمرو تصویر حقیقی چیزها را ببیند. با توجه به این‌که موجودات انسانی نمی‌توانند آن‌چه را که حقیقی است ببینند، در سه قلمرو بایستی موقعیتی برای‌شان فراهم می‌شد که با آن بتوانند یک شیوه‌ی زندگی بشری را حفظ کنند. و موجودات انسانی با بودن در حالت توهم، بی‌گمان در دام آن وضعیت گرفتار می‌شوند، در نتیجه به‌خاطر زنده‌ماندن، به یکدیگر آسیب می‌رسانند و برای چیزها رقابت و جنگ می‌کنند. بدون در نظر گرفتن این‌که آن‌چه انجام می‌دهند آرام یا پرتنش به نظر می‌رسد، تمامی آن به‌خاطر نفع شخصی و از روی انگیزه‌های خودخواهانه است. اما در هر موردی، از آن‌جا که این وضعیت برای موجودات انسانی برنامه‌ریزی شد، تا زمانی که در میان محدوده‌های برنامه‌ریزی‌شده‌ی آن وضعیت عمل کنند به‌عنوان خطا کار بودن آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. با توجه به این‌که انسان‌ها برای مدتی طولانی در این محیط و این وضعیت توهم بوده‌اند، از زمانی که دافا اشاعه یافتن را آغاز کرد، مسئله این شد که آیا افراد می‌تواند ببینند که ماهیت این فاجعه چیست و آیا آن‌ها می‌توانند پوسته‌ای را که مدت زمان طولانی در آن مهر و موم شده بودند بشکافند. برای موجودات انسانی این مسئله از اهمیت بسیار بالایی برخوردار شده است. ممکن است این برای موجودات انسانی غیرمنصفانه به نظر برسد، اما در حقیقت منصفانه است.

بنابراین زمانی که موجودات انسانی به این‌جا آمده‌اند و بین دیگر موجودات بشری هستند، هر کسی این‌جا، در این محیط به فراسوی حد و مرزهای تعیین شده‌ی این وضعیت برود و در طول دوره‌ی حیاتش به انجام آسیب‌های جدی نسبت به دیگران و انجام کارهای بد ادامه دهد، این فرد در حال فاسد کردن این محیط و خراب کردن این وضعیتی است که موجودات انسانی قرار است داشته باشند، و در حال ارتکاب گناه علیه خود این قضیه‌ی بسیار مهم است. بنابراین درحالی‌که دافا در حال اشاعه است و در طول دوره‌ی تزکیه‌ی مریدان دافا، وقتی به این مسئله می‌رسد که آیا مردم می‌توانند فاجعه را کسب کنند و آیا قادر به تزکیه تا پایان هستند، مقدار کارمایی که در تاریخ به‌وجود آوردند قطعاً برای آن‌ها به‌عنوان موجودات انسانی یا به‌عنوان تزکیه‌کنندگان، باعث به‌وجود آوردن درجات متفاوتی از چالش‌ها می‌شود. به بیانی صریح‌تر، وقتی به این پرسش‌ها می‌رسد که آیا فردی می‌تواند فاجعه را به‌دست آورد و این‌که آیا فرد می‌تواند تمام مسیر تزکیه کند، شکل‌های متفاوتی از مداخلات و مزاحمت‌ها برای افراد مختلف وجود خواهد داشت. تمامی آن مشکلات از اعمال گذشته‌ی خود فرد ناشی می‌شود، بنابراین هیچ‌کسی نباید شکایت کند. چه کسی می‌تواند فاجعه را کسب کند؟ چه کسی می‌تواند این پوسته را بشکافد و بیرون بیاورد؟ و چه کسی می‌تواند به‌طور حقیقی، به‌طور خردمندانه‌ای ماهیت این فاجعه را ببیند؟ با نگاه از این منظر، چیزها در واقع برای موجودات ذی‌شعور منصفانه است.

برای موجودات انسانی، نگرشی که در برابر چیزی به این مهمی دارند بیشترین اهمیت را دارد. بنابراین این وضعیت توهم دارای اثری بر موجودات بشری است: وقتی به این مسئله می‌رسد که آیا می‌توانید تزکیه کنید، آیا می‌توانید حقیقت را ببینید، آیا می‌توانید تصویر حقیقی چیزها را ببینید، و آیا می‌توانید با این فاجعه‌ی اتفاق‌آشنا شوید، این حقیقت که موجودات در وضعیت توهم هستند باعث می‌شود امور برای آن‌ها به‌طور وحشتناکی سخت شود. این دلیل آن است که چرا تمام نژاد بشر، جزء مریدان دافایی که ما داریم و امروز این‌جا نشسته‌اند نیستند. البته، همان‌طور که گفته‌ام، اشاعه‌ی دافا برای

تمام موجودات منصفانه بوده است. مقام یا موقعیت اجتماعی فرد مهم نیست- فقط قلب فرد و نگرش نسبت به دافا اهمیت دارد. در حقیقت، کل اصلاح- فا با این باگذشت‌ترین، بخشنده‌ترین شیوه انجام شده است. اشتباهاتی که موجودات در تاریخ انجام دادند علیه آنان به حساب نمی‌آید. مهم نیست در طول تاریخ گناهی به چه بزرگی مرتکب شدید یا چه اشتباهات بزرگی انجام دادید، هیچ‌یک از آن‌ها علیه شما منظور نمی‌شود: تنها نگرش امروز شما نسبت به اصلاح- فا و درک شما از دافا مهم است. این تنها چیزی است که به حساب می‌آید. اگر نتوانید حتی دافا را بپذیرید، پس فرصت‌تان را از دست می‌دهید. اگر بگویید، ”من دافا را تأیید نمی‌کنم،“ بسیار خوب، اگر دافا را تصدیق نکنید، در حال تأیید نکردن آینده هستید، چراکه آینده توسط این فا ساخته می‌شود.

تقریباً تمام کل کیهان در اصلاح- فا کامل شده است. قبلاً آن را به صورت کفهی ترازو توصیف کردم. میان کیهان قدیم و جدید، کیهان جدید دائماً در حال سنگین‌تر شدن بود، و بخشی که از میان اصلاح- فا گذر کرده بود دائماً در حال افزایش یافتن بود، و آن قسمت گویی روی کفهی ترازو در حال فشار دادن به پایین بود. اکنون آن دیگر موضوعی نیست، زیرا شکل‌گیری کیهان جدید اساساً به‌طور کامل انجام شده است. (تشیویتی گرم) آن‌چه باقی می‌ماند عوامل پایانی هستند. و زمانی که تمامی آن چیزها حل و فصل شوند، مرحله‌ی نهایی اصلاح- فا به پایان خواهد رسید. پس از این که اصلاح- فا به پایان برسد، عصر کیهان جدید آغاز می‌شود. و در انتها فقط دنیای بشری برای اصلاح شدن باقی خواهد ماند. پهنه‌ی این زمین و سه قلمروی نوع بشر احاطه و مهر و موم خواهد شد و از کیهان جدید و بزرگ‌تر جدا خواهد شد. آیا دانشمندان امروزی کشف نکرده‌اند که راه شیری در حال بزرگ‌تر و بزرگ‌تر شدن و دور شدن بیشتر از جهان است و با شتابی سریع در حال دور شدن از آن است؟ این در واقع یک روند ترک کردن است. بعد از این که اصلاح- فا در کیهان جدید تمام شود، تأثیری که تمامی موجودات سه قلمرو بر کیهان جدید خواهند داشت آلوده کردن خواهد بود، و این دلیل آن است که چرا سه قلمرو لازم است جدا شود، مهر و موم شود و در انزوا به آن رسیدگی شود و آن [مرحله‌ی] اصلاح دنیای بشری توسط فا است.

مریدان دافا در این دوره در حال تزکیه کردن هستند و مسئولیت‌هایی که بر دوش می‌کشند تا این حد عظیم و سنگین هستند. اکنون شما این را به وضوح شنیده و آن را درک کرده‌اید- بنابراین منظور از هستی بشر و حالت تزکیه‌ای که مریدان دافا دارند این است. بدین ترتیب شما باید درباره‌ی قالب تزکیه کردن در این جهان روشن‌تر از همیشه باشید، زیرا فقط /این تزکیه است و فقط /این به‌طور حقیقی تزکیه‌ی ترتیب داده شده برای موجودات درون سه قلمرو است. هر چیزی که در گذشته ظاهر شد به‌منظور بنیان نهادن یک فرهنگ برای نوع بشر بود، در صورتی که /این آن نقطه‌ی شروع نهایی است که به‌وسیله‌ی آن موجودات انسانی قرار است به‌طور حقیقی دوباره صعود کنند و این دلیل آن است که چرا الزامات برای تزکیه‌کنندگانی که در حال انجام این تزکیه هستند متفاوت است. سه کاری را که استاد در فا به شما آموخته است که به‌خوبی انجام دهید ساده به نظر می‌رسند، اما [چیزهایی از قبیل] این که آیا کوشا هستید و مقام باروری که به آن نائل خواهید شد به آن پیوند خورده است. دافا در اجتماع بشری پایه‌گذاری شده است و شکل تزکیه‌ی شما باعث شده تا بیشترین حد، با اجتماع بشری هم‌ساز باشید. بسیاری از افراد فکر می‌کنند که آن درخصوص آسان‌گیری در تزکیه و راحت کردن چیزها برای تزکیه‌مان است، اما شاگردان ساعی آن‌را بدین طریق نمی‌بینند. بلکه آن، مسیری است که مریدان دافا درحالی که تزکیه می‌کنند باید در

پیش گیرند. بنابراین هر کاری که انجام می‌دهید، خواه به‌خوبی متعادل کردن روابط خانوادگی‌تان درحالی‌که در بین مردم معمولی زندگی می‌کنید باشد، به‌خوبی هماهنگ کردن روابط‌تان در اجتماع باشد، چگونه در محل کارتان عمل می‌کنید، چگونه در اجتماع رفتار می‌کنید و غیره، هیچ‌یک از این‌ها چیزی نیستند که شما بتوانید فقط ماشین‌وار و بدون اشتیاق انجام دهید. تمامی این چیزها بخشی از شیوه‌ی تزکیه‌ی شما و مسائل جدی و مهمی هستند.

بسیاری از شاگردان درک می‌کنند که فقط انجام تمرینات و مطالعه‌ی فا تزکیه‌کردن است. بله، با آن‌ها شما مستقیماً با فا سروکار پیدا می‌کنید. اما همان‌طور که در زندگی روزانه‌تان به‌طور حقیقی به تزکیه‌ی خودتان می‌پردازید، اجتماعی که با آن در تماس هستید، محیط تزکیه‌ی شما است. محیط‌های کار و خانواده که اوقاتی را در آن می‌گذرانید هر دو فضایی هستند که قرار است خودتان را در آن مکان‌ها تزکیه کنید، بخشی از مسیری هستند که شما باید طی کنید، چیزهایی هستند که شما باید اداره کنید، و آن‌ها را به‌درستی اداره کنید. هیچ‌یک از این‌ها نمی‌بایستی نادیده گرفته و سرپوش گذاشته شوند. زمانی که تا به آخر موفق شدید، [سؤال این خواهد بود]: مسیری را که استاد برای‌تان نظم و ترتیب داد چگونه طی کردید؟ وقتی همه چیز گفته و انجام شد، این چیزها بایستی به حساب آورده شوند. و در مسیر تزکیه‌تان نیز این چیزها می‌بایستی مورد توجه قرار گیرند. بنابراین نباید هیچ چیزی را نادیده بگیرید. تا جایی که به راحتی مربوط می‌شود، [در دافا] یک فرد می‌تواند بدون این‌که مجبور باشد که وارد یک صومعه شود، به کوهستانی دور افتاده برود، یا جهان مادی را ترک کند، تزکیه کند. اما از زاویه‌ای دیگر، تمام این‌ها لایه‌ای از سختی را اضافه می‌کنند: اگر قرار است آن‌را با موفقیت بگذرانید، باید در خصوص چیزهایی مثل تمامی موارد فوق به‌خوبی عمل نمایید، و در هر جنبه‌ای از زندگی‌تان به‌خوبی عمل کنید.

با بیان این موارد، افراد مختلف فا را در سطوح مختلف درک می‌کنند، و شاگردان جدیدتر وجود دارند. برخی از افراد شاید تصور کنند، ”وقتی من از امور خانوادگی مراقبت می‌کنم درحال تزکیه‌کردن هستم. به حد کافی خوب است اگر من روابط نزدیک‌تری با والدین و خواهران و برادرانم ایجاد کنم.“ آن وقت وابستگی جدیدی را پرورانده‌اید و به افراط رفته‌اید. شما باید هر کاری را به‌خوبی انجام دهید، اما نمی‌توانید زیاده‌روی کنید؛ زمانی که زیاده‌روی می‌کنید، این وابستگی دیگری است. هم‌چنین لازم است نگرش درستی نسبت به دافا داشته باشید و حقیقتاً خودتان را به عنوان یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید. برای مصمم بودن چگونه تلاش می‌کنید، فا را چگونه در نظر می‌گیرید، و چگونه تزکیه می‌کنید - شامل طول مدت و الویت دادن به مطالعه‌ی فای‌تان - نمی‌توانید هیچ‌یک از این‌ها را نادیده بگیرید، و آن‌ها در واقع مهم‌تر هستند، زیرا این مسیر تزکیه‌ی شما است، مسیری که باید آن‌را طی کنید. شما دقیقاً باید از میان اجتماع بشری تزکیه کنید، و شما دقیقاً قرار است به موازات اصلاح - فا درحالی‌که درحال پیشرفت است وجود داشته باشید و نسبت به موجودات ذی‌شعور مسئول باشید. این دلیل آن است که چرا باید بدین شیوه تزکیه کنید.

قبلاً گفته‌ام که اگر همه‌ی شما برای تزکیه‌کردن به کوه‌های دور از دسترس، یا صومعه‌ها می‌رفتید، آن‌گاه با اجتماع تماسی نمی‌داشتید و قادر نبودید به‌طور مؤثری به نجات موجودات به این گستردگی بپردازید، درست است؟ بنابراین این‌که به شما توصیه شد که کارها را همان‌طور که اکنون درحال انجام آن هستید انجام دهید دلیلی برای آن وجود نداشت؟ انجام آن به این شیوه، شرایط مناسب‌تری برای نجات موجودات برای شما فراهم می‌کند، آیا این‌طور نیست؟ البته همان‌طور که به تزکیه می‌پردازید، شما - که



تزکیه‌کننده هستی - مطمئناً با آزمون‌ها مواجه می‌شوید، زیرا لازم است صعود کنید. زمانی که فردی امور را به‌خوبی اداره نمی‌کند، در دسر و دشواری‌ها به‌طور پیوسته به‌وجود خواهد آمد. اما کسانی که کارها را به‌خوبی اداره می‌کنند، همان‌طور که تزکیه می‌کنند به‌طور پیوسته با آزمون‌ها مواجه می‌شوند. اگر به‌طور مطلق همه‌ی آن‌ها را به‌عنوان مداخله در نظر بگیرید و در دسر و دشواری‌ها را فقط به‌خاطر حل و فصل کردن آن‌ها حل و فصل کنید، پس قادر به حل و فصل کردن آن‌ها نخواهید بود، زیرا آن‌ها به‌خاطر رشد شما اتفاق می‌افتند. باید به آن‌ها با افکار درست نگاه کنید، [از خودتان بپرسید،] ”با این مشکلی که روبرو هستیم، راه درست مواجه شدن با تمام چیزهایی که در ارتباط با این مزاحمت و مداخله است چیست، و در برابر هدف نجات موجودات ذی‌شعور چگونه باید آن‌را بسنجیم؟ و چگونه باید در مسیری مسئولانه برای نجات موجودات ذی‌شعور به آن بپردازم، و وقوع این چیزها را به‌عنوان زمینه‌های خوبی برای آشکارسازی حقیقت، یا به‌عنوان فرصت‌هایی برای آشکارسازی حقیقت در نظر بگیرم؟“ تحت شرایط عادی شاید دلیلی برای نزدیک شدن به مردم و آشکارسازی حقیقت برای آن‌ها نداشته باشید، و اگر بدون مقدمه چنین کنید ممکن است مایل نباشند با شما روبرو شوند. آیا تداخل و مزاحمت به شما فرصتی برای تماس با مردم نمی‌دهد؟ آیا نباید فرصت را غنیمت شمرده و حقیقت را برای آن‌ها آشکار کنید؟ بزرگترین مسئولیتی که مریدان دافا دارند، جدای از تزکیه‌ی خودشان، نجات موجودات است. بنابراین آیا می‌توانید آن‌را انجام دهید؟ و چطور می‌توانید آن‌را به‌خوبی انجام ندهید؟ بنابراین نباید وقوع هر مشکلی را که با آن روبرو می‌شوید به‌عنوان مزاحمتی برای وظایف درست‌تان، مطالعه‌ی فای، یا آشکارسازی حقیقت‌تان در نظر بگیرید. مسئله بدین صورت نیست. زمانی که مشکلی به‌وجود می‌آید، فرصتی برای آشکارسازی حقیقت برای شما مهیا می‌کند.

آیا نگفته‌ام زمانی که در سه قلمرو به چیزها نگاه می‌کنید، امور برعکس هستند؟ بسیاری از چیزهایی که نوع بشر بد در نظر می‌گیرد خوب هستند. و بسیاری از چیزهایی که نوع بشر خوب در نظر می‌گیرد بد هستند. آیا پنداشت همگانی در جهان بشری وارونه نیست؟ موجودات انسانی فکر می‌کنند که این چیز بدی است که سختی‌هایی کشید. اما رنج بردن از سختی‌ها می‌تواند کارما و گناهان فردی معمولی را کاهش دهد. هنگامی که فردی در طول حیاتش مقداری سختی را تحمل می‌کند، در زندگی بعدی‌اش رحمت دریافت خواهد کرد. هنگامی که فردی در زندگی بعدی‌اش ثروت دارد یا از یک مقام بالا بهره‌مند می‌شود، آن مرهون انجام اعمال خوب و جمع کردن رحمت و تقوی در زندگی قبلی‌اش می‌باشد. اگر فردی به انجام اعمال بد ادامه دهد، حتی یک ذره رحمت یا تقوای بجای‌مانده نداشته باشد، و مقدار زیادی کارما جمع کرده باشد، پس در زندگی بعدی‌اش نه تنها هیچ رحمت و تقوایی ندارد، و از هیچ نیک‌بختی‌ای بهره نخواهد برد، بلکه مجبور خواهد بود برای کل آن کارما تاوان نیز بپردازد. بنابراین در کل زندگی‌اش گرفتار فقر خواهد بود و توسط دیگران پست شمرده خواهد شد. او ممکن است حتی فکر کند که دنیا در تمام اشکال نسبت به او بی‌انصاف است، درحالی‌که تماماً به‌خاطر این است که او در حال بازپرداخت قرض‌هایی است که در زندگی قبلی‌اش جمع کرده است. این صحبتی است در ارتباط با موجودات بشری. پس برای تزکیه‌کنندگان، آیا این محیط دقیقاً فرصت‌هایی برای رشد فرد فراهم نمی‌کند؟ مریدان دافا همگی می‌دانند که تحمل سختی‌ها کارما را از بین می‌برد، و این که علاوه بر آن، فرصت‌هایی را برای رشد فرد تدارک می‌بیند. آن‌ها قادرند آن‌را به درستی ببینند، و همراه با بازپرداخت کارمای‌شان قادرند فرصت را غنیمت شمرده و در ارتباط با کارهایی که باید انجام دهند به‌خوبی عمل کنند. اگرچه آن سخت است، اما آن‌ها

آزمون‌هایی هستند که باید بر آن‌ها غلبه کنند. وقتی بتوانید درست به موضوع نگاه کنید، مشکل را در جای درست خودش قرار داده و آن را از طریق درستی حل کنید، از این آزمایش پیروز بیرون می‌آید، سطح شما ترقی کرده، قلمرو شما ارتقاء یافته و گونگ‌تان افزایش می‌یابد، درست است؟ آیا کل روند تزکیه‌ی اصلاح-فا این‌گونه عمل نمی‌کند؟

به‌خاطر بسپارید، آنچه برای موجودات بشری پنداشت همگانی است وارونه می‌باشد. بنابراین وقتی همان‌طور که تزکیه می‌کنید با چیزهای پردردسر مواجه می‌شوید، همه‌ی آن‌ها را به‌عنوان مشکلات، به‌عنوان مداخله در وظایف درست‌تان، یا به‌عنوان حملاتی علیه آن وظایف در نظر نگیرید، یا این که فکر کنید، ”این کار که در حال انجام آن هستم بیشترین اهمیت را دارد، آن کار که در حال انجام آن هستم دارای حداکثر اهمیت است...“ درواقع، بسیاری از چیزها ممکن است واقعاً آن‌طور که شما می‌بینید نباشند. رشد حقیقی شما همیشه اولین و مهمترین خواهد بود، و کمال تزکیه‌ی شما همیشه اولین و مهمترین است. اما نمی‌توانید فکر کنید که، ”از آن‌جا که شما بیان کردید رشد و تزکیه‌ی من بیشترین اهمیت را دارد، هیچ‌کسی نباید با آن مداخله کند.“ شما دوباره در اشتباه خواهید بود. آیا مداخله و مزاحمت، فرصت‌هایی را برای رشد فرد فراهم نمی‌کند؟ از دیدگاه من، به‌عنوان استاد شما، فکر می‌کنم که رشد شما مهمترین چیز است، اما به این معنی نیست که همان‌طور که رشد می‌کنید مسیری هموار در انتظار شما است. تصور کنید که با مقدار زیادی کارما به بهشت می‌رفتید و در حال کشیدن چمدان سنگینی می‌بودید (خنده‌ی حضار)، چگونه آن می‌توانست مجاز باشد؟ من مجبورم امتحان‌های خاصی را برای شما برنامه‌ریزی کنم و کاری کنم که از آن وابستگی‌های خودتان رها شوید، کاری کنم که از تمام آن کوله‌بار‌هایی یابید. همان‌طور که از میان امتحانی پس از دیگری گذر می‌کنید، باید به‌طور پیوسته وابستگی‌ها و افکار بشری را بیرون بریزید، و شما قادر نخواهید بود که آن چیزها را به امتحان‌های دیگر ببرید [و هنوز هم آن‌ها را بگذرانید]. بنابراین هنگامی که یک آزمون فرا می‌رسد، شما می‌گویید، ”این دردسر است،“ و برخی از افراد حتی به هر جایی برای پیدا کردن استاد می‌روند و می‌پرسند، ”اوه، چگونه آن را برطرف کنم؟“ خوب، چگونه می‌توانستم آن را برایتان حل کنم؟ اگر می‌شد که من آن را برطرف می‌کردم، شما نمی‌توانستید آن امتحان را بگذرانید. اگر آزمون‌ها را از میان برمی‌داشتیم، آیا قرار است درحالی که بار سنگینی از اسباب و اثاثیه با خود می‌کشید به جلو بروید؟ بنابراین من نمی‌توانم آن امتحان را برای شما از میان بردارم. (/استاد می‌خندد) آیا این معنی می‌دهد؟ این دلیل آن است که چرا می‌گویم هنگامی که به تزکیه می‌رسد، حقیقتاً باید پی ببرید که تزکیه چیست، به‌طور حقیقی و خردمندانه‌ای در برابر تزکیه‌ی خودتان مسئول باشید، هر چیزی که با آن مواجه می‌شوید به‌طور واقعی با افکار درست اداره کنید، و افکار درست قوی داشته باشید.

در آخرین کنفرانس فای کرانه‌ی غربی، آیا درباره‌ی این که چگونه بسیاری از تمرین‌کنندگان دافا قادر به پذیرش انتقاد نیستند صحبت نکردم؟ آن‌ها از مورد انتقاد واقع شدن اجتناب می‌کنند. به‌محض این که دیگران چیزی می‌گویند آن‌ها منفجر می‌شوند، ناراحت می‌شوند، یا شروع به مجادله با کسی می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند فقط چیزهای خوشایند بشنوند. بنابراین شما فقط می‌خواهید مسیری هموار را طی کنید، آیا این‌طور نیست؟ آیا می‌خواهید با کوله‌باری از بار سنگین به آسمان‌ها بروید؟ آیا کاری که می‌خواهید انجام دهید در اصل این نیست؟ شما باید از تمامی افکار بد بشری و هر نوع از وابستگی که دارید رها شوید. آیا عدم تمایل به شنیدن انتقاد، یک وابستگی نیست؟ شما فقط می‌خواهید چیزهای

خوشایند بشنوید، اما چگونه می‌تواند بدین صورت باشد؟ [برنامه‌ریزی‌هایی ترتیب داده می‌شوند] که دقیقاً دیگران چیزهای ناخوشایندی بگویند و ببینیم که آیا تکان می‌خورید. يك خدا هیچ توجهی به آن چه يك موجود بشری درباره‌ی او می‌گوید نمی‌کند - شما نمی‌توانید تأثیری بر او بگذارید. او کمترین تلاشی نمی‌کند پی‌برد کاری که شما انجام می‌دهید چگونه به او ارتباط پیدا می‌کند. ابداً هیچ توجهی نمی‌کند، زیرا شما نمی‌توانید بر او تأثیر بگذارید. خدایان می‌توانند فکر بشر را کنترل کرده و انسان‌ها را برای انجام کارهای خاصی هدایت کنند، نه برعکس. چگونه ممکن است موجودات بشری بتوانند خدایان را تحت تأثیر قرار دهند؟ بنابراین اگر مایلید که موجودی خدایی شوید، آیا خود شما نباید بدان شکل باشید؟ آیا نباید از آن وابستگی‌ها رهایی یابید؟ و آیا نباید از آن احساسات‌تان که می‌تواند توسط موجودات بشری برانگیخته شود رها شوید؟

حتی هنگامی که مشکل توسط يك مرید دافا ایجاد می‌شود همین مصداق دارد. ممکن است بگویید، ”این مشکلی به‌وجود آمده توسط مردم عادی نیست، بنابراین غلبه بر آن سخت است.“ مطمئناً این‌طور است. مریدان دافایی که در حال تزکیه کردن هستند خدایان نیستند، بلکه آن‌ها نیز موجودات انسانی‌اند. و وقتی این، موجودات انسانی هستند که تزکیه می‌کنند، همه نوع وابستگی بشری ظاهر می‌شود. بنابراین در این محیط تزکیه‌ی مریدان دافا، تنها می‌توان گفت که موجودات دائماً به سمت بالا در حرکت هستند؛ محیط نمی‌تواند به خلوص [محیط] خدایان ساخته شود. اما این محیط بسیار بهتر از محیط مردم عادی است. این تنها شیوه‌ای است که می‌تواند باشد، و همواره بهتر خواهد شد. این دلیل آن است که چرا در این محیط مریدان دافا، همه نوع وابستگی بشری به نمایش درآمده‌اند و حتی رفتارهای بسیار بدی روی داده است. آیا در مسیری که سفر کرده‌اید شاهد تمامی آن‌ها نبوده‌اید؟ این قابل انتظار است.

بله، تعداد زیادی از افراد هنگامی که دافا به‌طور منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرد بسیار نگران هستند، و فکر می‌کنند، ”چگونه این فرد تزکیه‌کننده توانست به این بدی عمل کند؟“ بله، اگر هر کسی بدان شیوه فکر کند، شما قادر خواهید بود از این محیط حفاظت کرده و به‌طور پیوسته خلوص آن‌را ارتقاء دهید. اما مشکلات هنوز هم اتفاق خواهد افتاد، و وابستگی‌های بشری هنوز هم خودشان را نشان خواهند داد. من ناظر وضعیت کلی امور بوده‌ام، و می‌دانستم که این چیزها به‌طور حتم در محیط تزکیه پدیدار خواهند شد، اما هم‌چنین می‌دانم که این چیزها مسلماً در طی روند تزکیه‌تان به تدریج برداشته خواهند شد. از آن‌جا که در حال تزکیه کردن هستید، در نهایت همه رشد خواهند کرد، و این را نیز می‌دانم. زمانی که مردم در این محیط تزکیه می‌کنند آن این‌گونه است. اما وقتی می‌بینید که دیگران نام دافا را لکه‌دار می‌کنند هیچ‌يك از شما باید نه سست شوید و نه بی‌اعتنا باشید - این یک الزام برای شما است. با وجود مرید دافا بودن، آیا قرار نیست همه‌ی شما از فا حفاظت کرده و به آن اعتبار بخشید؟ این مسئولیت شماست. بنابراین درحالی که به تزکیه می‌پردازید، مسائل صرفاً به شکلی که شما آن‌ها را تصور می‌کنید نیستند. هر چند باید تزکیه را به‌عنوان مهمترین چیز در نظر بگیرید، اما نمی‌توانید فکر کنید که هیچ‌یک از چیزهای دیگر، مهم نیستند، فکر کنید که خانواده شما بی‌اهمیت است، اجتماع بی‌اهمیت است و غیره، و هیچ چیز دیگر، مهم نیست. به‌خوبی متعادل کردن تمام بخش‌های زندگی‌تان، مسیری است که باید طی کنید. گفته‌ام که در تزکیه باید تا بیشترین حدی که ممکن است با روش جامعه‌ی معمولی مطابقت داشته باشید. البته، همه نوع افرادی وجود دارند. آن‌هایی که سعی می‌کنند به دافا آسیب برسانند در آن اردوگاه‌های کار که سعی می‌کنند

شاگردان را ”تغییر“ دهند حتی چیزی گفتند، مبنی این که، ”آیا استاد نگفته است که درحالی که تزکیه می‌کنید باید تا بیشترین حدی که ممکن است با اجتماع عادی مطابقت داشته باشید؟ شما باید برگردید تا فردی عادی باشید و مطالعه‌ی [دافا] را متوقف کنید. کتاب‌هایتان را تحویل دهید.“ بله، همه نوعی افرادی وجود دارند. اما البته، آیا شما، در یک سطح بنیادین، یک تزکیه‌کننده هستید؟ اگر خودتان را حتی از فاجدها جدا کنید، چگونه قرار است تزکیه کنید؟ بسیاری از افراد عادی مرا استاد صدا می‌کنند، اما آن‌ها تزکیه‌کننده نیستند. به عبارت دیگر این‌طور نیست که هر کسی که مرا استاد می‌نامد به‌عنوان یک تزکیه‌کننده به حساب می‌آید. شما باید خودتان را به‌طور حقیقی در زندگی روزمره‌تان تزکیه کنید، و حقیقتاً خودتان را به‌عنوان یک تزکیه‌کننده در نظر بگیرید.

هم‌اکنون مواردی را مطرح کردم. کنفرانس فای شما لازم است به نتایج واقعی دست یابد. به سخنان شاگردان گوش کردم. کنفرانس شما کاملاً پرشور بوده است، و این کاملاً عالی است. بنابراین خوشحالم. وقت بیشتری از شما نمی‌گیرم. فقط آمدم تا شما را ببینم. هرگاه که می‌آیم، اولاً، برای اشاره کردن به موضوعاتی است، و ثانیاً، برای دیدن همه است. آیا برخی افراد نگفته‌اند که شما استاد را این‌جا و فا را این‌جا دارید؟ خوب، پس تلاش کنید تا تمامی آن چیزهایی را که باید انجام دهید به‌خوبی انجام دهید. (تشویقی پرشور طولانی)